

غزل شماره ۵۷

آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست
چشم میگون لب خندان دل خرم با اوست

کرچه شیرین دهنان پادشهانند ولی
او سلیمان زمان است که خاتم با اوست

روی خوب است و کمال هنر و دامن پاک
لاجرم هست پاکان دو عالم با اوست

خال مشکین که بدان عارض کند مکون است
سرّ آن دانه که شد رهنِ آدم با اوست

دلبرم غزم سفر کرد خدا را یاران
چه کنم بادل مجروح که مرهم با اوست

با که این نکته توان گفت که آن سکین دل
کشت ما را و دمِ عیسی مریم با اوست

حافظ از معتقدان است گرامی دارش
زان که بخشایش بس روح مکرم با اوست

تفسیر فال

آن کسی را که بسیار دوست می‌داری، به ناچار برای مدتی از او جدا می‌شوی و در این لحظه‌های سخت، ممکن است هیچ‌کس را برای درد دل یا همدلی نیابی. اما باور عمیق به خداوند و صبر در برابر چالش‌ها می‌تواند به تو کمک کند تا این جدایی را با آرامش بیشتری تحمل کنی. نباید فکر کنی که دیگر زمان پایان رسیده است؛ زیرا زندگی همیشه مملو از نکته‌ها و اتفاقات شگفت‌انگیز است که می‌توانند دل مرده تو را دوباره زنده کنند و امید را در وجودت زنده سازند. در این مسیر، به یاد داشته باش که امید به بخشش و رحمت خداوند همواره باید در دل تو روشن بماند. ایمان به این حقیقت که پس از هر شب تاریک، صبحی روشن خواهد آمد، می‌تواند مشوقی قوی برای ادامه دادن باشد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)